

جمعیت، رشد اقتصادی و مسأله منابع طبیعی

شمشیر دولبه جمعیت

گزارش

به تازگی گزارشی در مورد ارتباط میان افزایش جمعیت، توسعه اجتماعی و اقتصادی و مهمتر از آن، تغییرات محیطی در بخش جمعیت سازمان ملل متحد منتشر شده که در آن نسبت به خطرات افزایش جمعیت بر محیط زیست هشدار داده شده است. در واقع سال‌هاست که طرفداران محیط زیست و اقتصاددانان درباره ارتباط بین افزایش جمعیت و مشکلات محیط زیستی به ماه‌شمار می‌دهند. از طرف دیگر رشد جمعیت بر بسیاری از پدیده‌ها مانند ساختار سنی جمعیت یک کشور، مهاجرت بین‌المللی، نابرابری اقتصادی، توسعه اقتصادی و اندازه نیروی کار یک کشور تأثیر می‌گذارد و برخی جوانی جمعیت را یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی معرفی می‌کنند.



با درآمد متوسط رو به بالا حدود ۵۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما حدود ۸۵ درصد از انتشار جهانی دی‌اکسید کربن (گازی که موجب افزایش دمای کره زمین شده) از طرف آنهاست. جالب اینکه بسیاری از این کشورها رشد جمعیتی بسیار پایینی دارند و بارشد جمعیت در آنها تقریباً متوقف شده است. در حقیقت یک مطالعه در سال ۲۰۱۵ نشان داده که کشورهای توسعه‌یافته تنها در همان سال ۱۲ میلیارد تن مواد خام از کشورهای توسعه‌یافته استخراج کرده، ۸۲۲ میلیون هکتار زمین را مورد بهره‌برداری قرار داده و ۳۹۲ میلیارد ساعت کاری از کشورهای توسعه‌یافته را جهت تولیدات خود استفاده کرده‌اند (این میزان ساعت کاری ارزشی برابر با ۱۰۸ تریلیون دلار دارد که ۷۰ مرتبه برای پایان دادن به فقر تمامی جهان کفایت می‌کند). این در حالی است که این کشورها کمتر از نصف جمعیت جهان را در اختیار دارند؛ مسأله‌ای که ارتباط میان میزان جمعیت و مصرف منابع را زیر سؤال می‌برد.

پس چگونه برخی اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که بین افزایش جمعیت، مصرف منابع و بحران زیست‌محیطی رابطه مستقیم وجود دارد؟ پاسخ نه در خود افزایش جمعیت بلکه در نظام اقتصادی است. از اوایل ۱۷۰۰ میلادی سرمایه‌داری به دنبال تجارت آزاد برای ایجاد بازارهای بزرگتر و باز کردن منابع جدید غذا و مواد خام ارزان‌تر بود. در این بین دسترسی به نیروی کار ارزان‌تر میزان سود این سیستم متکی بر مالکیت خصوصی را افزایش می‌دهد و به همین دلیل افزایش جمعیت (بخوانید افزایش نیروی کار) باعث دسترسی بهتر سرمایه‌داران به نیروی کاری با مزد ارزانتر است. همچنین کالاهای تولید شده در این سیستم بالاخره باید در جایی فروخته شوند و این فروش بیشتر با جمعیت مصرف‌کننده ممکن است؛ بنابراین افزایش جمعیت هم نیروی کار ارزانتر را در اختیار سیستم تولید قرار می‌دهد و هم بازار مناسبی برای فروش انواع کالا و خدمات تولید شده فراهم می‌آورد. به همین دلیل آنچه موجب مصرف منابع طبیعی و آلوده شدن محیط زیست می‌شود نه خود جمعیت بلکه شکل استفاده از منابع و جمعیت برای به حداکثر رساندن سود است. سود و رشد اقتصادی که منافعش به صورت نابرابری هم در میان کشورهای مختلف جهان و هم در میان گروه‌های مختلف جامعه

نگاهی به افزایش جمعیت نشان می‌دهد جمعیت‌انسانی دوره‌ای از رشد بی‌سابقه را تجربه کرده و از سال ۱۹۵۰ تاکنون بیش از سه برابر رشد داشته است. این جمعیت در سال ۲۰۲۰ به ۷.۸ میلیارد نفر رسید و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ به بیش از ۸.۵ میلیارد نفر برسد. دو جریان علت این رشد عظیم بودند، از یک‌سو افزایش تدریجی میانگین طول عمر انسان به دلیل بهبود گسترده در بهداشت عمومی، تغذیه، بهداشت فردی و پزشکی و از سوی دیگر سطوح بالای باروری در بسیاری از کشورها موجب افزایش جمعیت شده است. با این حال به نظر می‌رسد ایده‌های مربوط به جمعیت، محیط زیست و منابع طبیعی بی‌طرف نباشند و همواره دیدگاهی اقتصادی و سیاسی آنها را طرح کرده و آثار این ایده‌ها در اجتماع، اقتصاد و سیاست دیده می‌شود.

در این بین برخی احتمال می‌دهند افزایش جمعیت در نهایت دو سناریوی ممکن را برای سر نوشت بشر بر کره زمین به دنبال خواهد داشت. در واقع محدودیت‌های زیست‌محیطی برای رشد اقتصادی خود را یا به شکل کمبود و اتمام منابع و مواد خام اولیه مثل معادن طبیعی یا نفت و گاز نشان می‌دهند و یا این تهدید، خود را به شکل کمبود فضای دفع زباله نشان خواهد داد. برای نمونه حجم مواد پلاستیکی موجود در اقیانوس‌ها حیات آبریان را در سطح زمین با خطرات جدی مواجه کرده و با زباله‌های صنعتی و شهری مناطق توسعه‌یافته جهان که با بهانه قراردادهای باز یافت زباله به مناطق کمتر توسعه‌یافته حمل و عملاً در محیط زیست رها می‌شوند و به این شکل حیات مردم و طبیعت را به خطر می‌اندازند (مانند مورد فیلیپین و کشتی‌های پر از زباله کانادایی که مدت‌ها خبر ساز شد). اما آیرشد جمعیت انسان مسئول فاجعه زیست‌محیطی است که سیاره ما با آن مواجه است؟ و اگر این‌طور است وجود بیش از حد جمعیت یا کمبود منابع چه پیامدهای سیاسی و اجتماعی به همراه خواهد داشت؟

ریشه‌های بحران محیط زیست

برای پاسخ به سؤال اول معمولاً فرض می‌کنند افزایش جمعیت مصرف بیشتر و تولید زباله و ائتلاف منابع محدود را به دنبال دارد اما داده‌ها داستان متفاوتی را بیان می‌کنند. به عنوان مثال، اگر چه کشورهای پر درآمد و

افزایش بی‌سابقه فرصت‌های شغلی در آلمان

کار از بیکار جلوزد!

گزارش

بسیاری از شرکت‌های آلمانی در یافتن همکاران متخصص با مشکل روبه‌رو هستند. بر اساس یک پژوهش، در سه ماهه اول سال جاری یک میلیون و ۷۴۰ هزار فرصت شغلی خالی مانده‌اند. این رقم در آلمان بی‌سابقه است.

تاکنون سابقه نداشته که تا این اندازه محل‌ها و فرصت‌های شغلی در آلمان خالی بمانند. بر اساس آمار انستیتوی پژوهش بازار کار و حرفه (IAB) در نورنبرگ، از ماه ژانویه تا پایان مارس سال جاری در سطح آلمان در مجموع ۱،۷۴ میلیون فرصت شغلی خالی مانده‌اند و این از سال ۱۹۸۹ بدین‌سو بی‌سابقه بوده است. این رقم در مقایسه با سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۱ سه درصد رشد داشته و در مقایسه با همین بازه زمانی سال گذشته ۵۴ درصد رشد را نشان می‌دهد. الکساندر کوپیس، پژوهشگر این انستیتو می‌گوید: «تنها شمار فرصت‌های شغلی خالی نیست که پس از همه‌گیری کرونا افزایشی چشمگیر یافته، بلکه شمار بیکاران در شرق و غرب آلمان در مقایسه با سه ماهه قبل نیز کاهش پیدا کرده است.» او می‌افزاید، این امر نشانگر آن است که شرکت‌ها در بسیاری حوزه‌های شغلی برای یافتن پرسنل دچار مشکل

هستند.

در مجموع در سه ماهه اول سال ۲۰۲۲ حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار فرصت شغلی بلااستفاده در غرب آلمان و ۳۴۰ هزار مورد در شرق آلمان به ثبت رسیده‌اند. این روند به‌رغم جنگ اوکراین در پایان سه‌ماهه اول سال جاری همچنان به رشد خود ادامه داده است.

بر اساس نتایج پژوهش این انستیتو، در سه ماهه اول در برابر هر ۱۰۰ فرصت شغلی که شرکت‌ها اعلام کرده‌اند، حدود ۱۴۰ نفر بیکار ثبت شده قرار دارد. شمار فرصت‌های شغلی مبتنی بر داده‌هایی است که شرکت‌ها به‌طور منظم در اختیار این انستیتوی پژوهشی می‌گذارند. این پژوهش هر سه ماه یک‌بار منتشر می‌شود و فرصت‌های شغلی‌ای را نیز دربر می‌گیرد که به اداره کار منتقل نمی‌شوند. در سه ماهه اول سال ۲۰۲۲ حدود ۷ هزار و ۶۰۰ شرکت از حوزه‌های مختلف اقتصادی داده‌های خود را در اختیار این انستیتو قرار داده‌اند.

تقسیم می‌شود. برای مثال مشکل گرسنگی و قحطی نمونه‌ای معروف از نابرابری در جهان است، گفته شده که یک‌سوم کل مواد غذایی تولید شده در جهان که از بین می‌رود و یا هدر داده می‌شود برای سیر کردن چهار برابر گرسنگان جهان کافی است.

نابرابری؛ مسأله این است

در پاسخ به سؤال دوم، یعنی پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افزایش جمعیت باید گفت بدون تلاش برای تقسیم عادلانه منافع چه در سطح جهانی و چه در سطح جامعه، افزایش جمعیت عملاً منجر به نابرابری و عمیق‌تر شدن روزافزون شکاف میان فقیر و غنی شده است، هرچند بنا به گزارش سازمان جهانی کار در چندین مورد از کشورهایی که رشد بالای جمعیت را تجربه کرده‌اند رشد اقتصادی به میزان قابل توجهی افزایش داشته، اما این مسأله به هیچ عنوان به معنای تقسیم عادلانه منافع در سطح جامعه نیست، به‌ویژه در جایی که رشد

جمعیت بسیار سریع‌تر از توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، کشورها برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مورد نیاز جهت تأمین رفاه مردم و تحریک رشد اقتصادی بیشتر، مشکلات بسیاری خواهند داشت. در واقع این افزایش جمعیت نیست که مشکل ساز است بلکه نابرابری روزافزون در جمعیت است که مشکل اصلی جوامع شده است. بار دیگر به بند اول یادداشت حاضر بازگردیم. ایده‌های مربوط به جمعیت، محیط زیست و منابع طبیعی بی‌طرف نیستند و همواره دیدگاهی اقتصادی و سیاسی آنها را طرح می‌کنند؛ از این جهت و متأسفانه این رابطه را می‌توان به هر سمتی هدایت کرد. اگر به هر دلیل، یک گروه برای حمایت از سیاست‌های خاصی و به نفع منافع خاصی نیاز به یک استدلال در رابطه با محیط زیست یا جمعیت داشته باشند، آنگاه بحث مزاد جمعیت می‌تواند به بهترین شکل برای این منظور طراحی شود و مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین افزایش جمعیت برای حمایت از منافع خاصی می‌تواند خوب یا بد جلوه داده شود.



حمید رضاعلی‌نیا

روزنامه‌نگار



اندونزی

وچالش جهانی روغن

ممنوعیت صدور روغن پالم در بزرگترین کشور صادرکننده این محصول در جهان، موجب فشار بر بهای روغن خوراکی در هنگامی شده که عرضه به علت کاهش تولید محصولات کشاورزی، جنگ اوکراین و کمبود کارگر ناشی از همه‌گیری زیر فشار قرار دارد.

رئیس جمهوری اندونزی در پی افزایش بیش از ۵۰ درصدی بهای داخلی روغن پخت‌وپز و خوراکی که روغن پالم ماده اصلی آن به شمار می‌رود، صادرات این کالا را در کوتاه‌مدت ممنوع اعلام کرد. با اینکه هنوز شریکان تجاری اندونزی، به صورت رسمی به این تصمیم اعتراض نکرده‌اند، اما نشانه‌های ناراحتی در کشورهای مصرف‌کننده به‌ویژه هند و پاکستان به چشم می‌خورد.

تصمیم اخیر جاکارتا در پی یک رشته تدابیر و اقدامات پیش از آن به منظور نظارت بر عرضه و بهای روغن پالم گرفته شد که شامل تعیین سقف برای بهای روغن خوراکی و محدود شدن مقدار فروش به دو لیتر بود و منجر به هجوم مشتریان و مصرف‌کنندگان نگران به فروشگاه‌ها شد.

بهای انواع روغن پالم در ماه گذشته (آوریل) با افزایش بیش از شش درصدی در بورس مالزی، به میزان بی‌سابقه ماه مارس نزدیک شد.

هند هفته پیش درباره موانع بازرگانی که بخشی ناشی از ممنوعیت روغن پالم بوده، در سازمان تجارت جهانی ابراز نگرانی کرد. اندونزی در اواخر آوریل از ارسال محموله روغن پالم خوراکی به وزن نزدیک به ۳۰۰ هزار تن به هند، در پی اعلام این ممنوعیت، جلوگیری کرد.

اندونزی به عنوان دومین عرضه‌کننده روغن پالم به هند پس از مالزی همسایه خود، در سال ۲۰۲۱ بیش از ۳ میلیون تن از این محصول را به این کشور جنوب آسیا صادر کرده است.

وزارت صنایع و تولید پاکستان که ۸۰ درصد روغن پالم خود را از اندونزی و تنها ۲۰ درصد آن را از مالزی تأمین می‌کند، در پی نگرانی از به پایان رسیدن ذخایر این کالا در ماه مه، این مسأله را به جاکارتا

انتقال داد. به گفته «یگا کورنیا یزید» تحلیلگر اقتصادی در مرکز بررسی‌های راهبردی و بین‌المللی جاکارتا، آشکار شدن نشانه‌های تأثیر این

ممنوعیت، در بهای جهانی روغن پالم خام که اخیراً تا سطح بی‌سابقه ای بالا رفته، آغاز شده است. تاکنون به نظر می‌رسید مالزی می‌تواند برای جبران کمبود عرضه اندونزی، تقاضای‌های جهانی را برآورده کند، اما وابستگی صرف به مالزی، شاید برای برآورده کرده همه نیازهای جهانی کافی نباشد.

انجمن روغن پالم اندونزی اعلام کرد که این کشور در سال ۲۰۲۰ میلادی ۳۴ میلیون تن روغن پالم صادر کرده و از آن ۱۵ میلیارد دلار درآمد داشته است.

اندونزی حدود ۶۰ درصد از روغن پالم دنیا را تولید می‌کند که در تولید محصولات متنوع از مواد آرایشی بهداشتی گرفته تا شکلات، گسترده‌گی دارد و یک‌سوم آن به مصرف داخلی می‌رسد.

بحران انرژی، افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی

چالش‌های اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲

گزارش

روزنامه فایننشال تایمز نوشت: «بروکسل چشم‌انداز رشد اقتصادی اتحادیه اروپا را با توجه به بحران انرژی و تأثیر جنگ اوکراین در افزایش تورم کاهش داد.»

بر اساس گزارش پیش‌بینی رشد اقتصادی اتحادیه اروپا، این اتحادیه و منطقه یورو انتظار دارند اقتصاد آنها در سال جاری ۲.۷ درصد رشد داشته باشد. این در حالی است که پیش‌بینی‌های قبلی انتظارات را روی رقم چهار درصد متمرکز کرده بود.

پیش‌بینی جدید نشان می‌دهد که رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و منطقه یورو در سال ۲۰۲۳ میلادی ۲.۳ درصد خواهد بود.

انتظار می‌رود تورم در منطقه یورو و اتحادیه اروپا امسال به بالای شش درصد برسد و اروپای مرکزی و شرق اروپا احتمالاً افزایش دو رقی تورم را در سال ۲۰۲۲ شاهد خواهند بود.

تورم در منطقه یورو قرار است در سال ۲۰۲۳ به ۲.۷ درصد کاهش یابد. اما این رقم بالاتر از هدف دو درصدی بانک مرکزی اروپا است و نشان‌دهنده اقدامات متوازی است که سیاستگذاران در محیطی با رشد ضعیف و افزایش

قیمت‌ها با آن روبه‌رو هستند.

هفته گذشته، کریستین لاگارد رئیس بانک مرکزی اتحادیه اروپا گفت که از افزایش نرخ بهره در ماه ژوئیه حمایت خواهد کرد و راه را برای اولین افزایش نرخ بهره در بیش از یک دهه هموار کرد. کمیسیون اروپا پیش‌تر پیش‌بینی کرده بود که تورم در سال آینده به کمتر از هدف بانک مرکزی اروپا کاهش خواهد یافت.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا پنج دور تحریم‌ها را علیه روسیه اعمال کرده‌اند و اکنون مشغول نهایی کردن